

تفسیر موضوعی قرآن کریم از امتناع تا امکان

عباس زارع بیدکی^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۵

چکیده:

تفسیر موضوعی قرآن کریم به این معناست که مفسر به جمع‌آوری موضوعی و روشمند آیات از سراسر قرآن می‌پردازد و منزل‌گاهی پس از تفسیر ترتیبی است که در قرون اخیر مورد توجه ویژه مفسرین قرار گرفته است. علمای حامی این روش، آن را از بهترین روش‌ها در فهم آیات و شیوه‌ای مؤثر در نظرخواهی از قرآن در پاسخ به شبهات روز می‌دانند و از سونئی دیگر، منتقدان، آن را در معرض نقدهای جدی مثل تقطیع آیات قرآن کریم، عدم توجه به شأن نزول آیات، عدم نزول قرآن به صورت موضوعی و عدم وجود ضابطه مشخص در انتخاب آیات قرار داده‌اند. آنچه که در این مقاله خواهد گذشت، پس از ارائه نگاه دقیق راجع به این نوع تفسیر، طرح این شبهات و نقد آن‌هاست.

کلیدواژه‌ها: تفسیر، تفسیر موضوعی قرآن کریم، شبهات تفسیر موضوعی

۱. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق علیه‌السلام azareae@gmail.com

مقدمه

تفسیر موضوعی قرآن کریم در سده‌های اخیر به عنوان یکی از کارسازترین روش‌ها در پاسخ‌گویی به سؤال مخاطبان درباره نظر قرآن کریم راجع به موضوعات مختلف، مورد اقبال علما قرار گرفته است. در واقع تفسیر موضوعی به عنوان تفسیری برتر و یک گام به جلو برداشتن مفسر پس از تفسیر ترتیبی، حایز اهمیت خاصی است. (سراقی، ۱۳۸۵: ۱۰۵) با این وجود، مشکلات و ابهامات زیادی راجع به امکان و ضرورت این نوع نگاه تفسیری به قرآن کریم در اذهان وجود دارد. آنچه که بر عهده این مقاله است، ابتدا ارائه تصویری واضح از تعریف و سابقه این نوع تفسیر در بین علما و پس از آن به ترازوی نقد بردن ابهامات و اشکالات وارده بر آن است.

۱. تعریف تفسیر موضوعی

تفسیر موضوعی در واقع جمع آوری آیات قرآنی حول یک موضوع، در کنار هم و سپس پرداختن به تفسیر آن-هاست. در تفسیر موضوعی، مفسر آیات مربوط به یک موضوع را گردآوری کرده و با استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، آنها را قرینه ای برای تفسیر آیات دیگر قرار می‌دهد و نظر نهایی قرآن را در مورد آن موضوع روشن می‌سازد. (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۸۳) از جمله اندیشمندانی که در زمینه تفسیر موضوعی سخنان بدیع و سازنده‌ای ارائه داده است، شهید بزرگوار سید محمد باقر صدر (ره) است (ایازی، ۱۳۸۳: ۳۶) وی در تعریف خود از تفسیر موضوعی، آن را منحصر در یافتن زاویه دید قرآن در موضوعات عقیدتی، اجتماعی و خلقت می‌داند. (سید محمد باقر صدر، ص ۱۷) از این روست که در کتبی که بر اساس این نوع تفسیر نگاشته شده‌اند، نه تنها ترتیب سوره‌ها تعیین کننده فصل‌بندی کتاب نیست، بلکه آنچه که تعیین کننده ترتیب است، میزان ارتباط آیات با موضوع مورد نظر است. (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۲۶۸) این در حالی است که در تفاسیر قرون سابق، ملاک ترتیب، همان چینش سوره و آیات در مصحف شریف بوده است. اساس این پیشامد، موضوع محور بودن و بنای مفسران حامی این نوع تفسیر بر گردآوری آیات از سراسر قرآن کریم ذیل یک موضوع است. به طور خلاصه، تفسیر موضوعی؛ جمع آوری روشمند آیات است از سراسر قرآن مجید که از موضوع یا موضوعات زندگی، عقیدتی، اجتماعی و جهانی سخن می‌گویند و هدف واحدی دارند. (ید الله پور، ۱۳۸۳: ۱۶)

۲. پیشینه تفسیر موضوعی

اگر به قرون میانه و متقدم مراجعه کنیم، به سختی می‌توانیم تفسیر موضوعی را در بین آثار علما بیابیم؛ چرا که میراث تفسیری گذشته - چه در میان اهل سنت و چه در میان شیعیان - تفسیر ترتیبی است (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۲۶۸)، لذاست که می‌توان ادعا کرد که اولین کسی که این شیوه را در بین شیعیان در پیش گرفت، علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ ه.ق) در اثر گران‌سنگ خود، «بحار الانوار» است (سبحانی، ج ۱ ص ۸۲)، البته این بدان معنا نیست که در قرون نخست وجود تفسیر موضوعی را انکار کنیم، بلکه می‌توان ریشه‌های این نوع تفسیر را در همان سده‌های اول هجری و در تفسیر معصومین (ع) ردیابی کرد. (سجادی، ۱۳۷۵: ۱۳۰) تفاسیر فقهی آیات قرآن کریم که از عصر پیامبر مکرم اسلام (ص) و ائمه طاهرین (ع) به دست امت رسیده است، به صورت غیر مدون در عهد نخست، (معرفت، ۱۴۱۸: ۳۵۵/۲) و با عناوینی همچون «آیات الاحکام» و «احکام القرآن» در قرن دوم (جلیلی، ۱۳۷۲: ۲۴) و همچنین کتبی که در خصوص «آیات الولاية» نگاشته شده‌اند، همه و همه جزء تفاسیر موضوعی قرن‌های پیشین به حساب می‌آیند. احادیث وارده از ائمه (ع) در وصف قرآن کریم مانند: «يُنطِقُ بَعْضُهُ بَعْضٌ وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ» (شریف رضی، ۱۴۱۴: خ ۱۳۳) و «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ» (شریف رضی، ۱۴۱۴: خ ۱۵۸) نیز شاهد بر قدمت این نوع تفسیر است.

در این مجال، سؤال مهم آن است که چرا تفسیر موضوعی در بین علمای مسلمان در قرون میانه رواج نیافته است؟ در واقع عدم نیاز به تفاسیر موضوعی در قرون میانه به خاطر عدم وجود رویکرد پاسخ‌گیری برای سؤالات به صورت مستقیم از قرآن در بین علما از یک سو و مخالفت علمای عصر کلاسیک با این نوع تفسیر و تمسک ایشان به احادیثی مانند «مَا ضَرَبَ رَجُلٌ الْقُرْآنَ بَعْضَهُ بِبَعْضٍ إِلَّا كَفَرَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۶۳۲) از سوی دیگر، دو عامل مهم در عدم توجه به رواج این نوع تفسیر در قرون نخست و میانه است. (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۲۷۰-۲۶۸) آنچه که علمای آن دوران در مواجهه با احادیث این چنینی از آن غافل مانده بودند آن بود که این احادیث ناظر به آن مرحله‌ای است که مفسر رابطه ناسخ و منسوخ، مقید و مطلق و عام و خاص بین آیات را نادیده گرفته و بدون ملاحظه سیاق و نظایر آیات شروع به تفسیر قرآن نموده و دست به تفسیر دلخواه خود بزند. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۲۰)

۳. ضرورت تفسیر موضوعی

قرآن کریم پاسخ‌گوی پرسش‌ها و نیازهای انسان در تمام اعصار است (نحل: ۸۹) آنچه که مهم است، این است که علمای هر عصر، کلام وحی را می‌بایست متناسب با نیازهای با همان عصر و زمان فهم کنند و در صدد پاسخ به سؤالات همان زمان برآیند. در عصر حاضر که موضوعات مختلفی که در کتب پیشین یافت نمی‌شود - همچون مباحث مربوط به کلام جدید، عقلانیت در دین، انتظارات بشر از دین، عرفی یا رمزی بودن زبان قرآنی، نسبی بودن اخلاق و ... - مطرح می‌گردد و نظر قرآن در آن مورد پرسیده می‌شود، مسلماً دیگر روش تفسیر ترتیبی پاسخگو نخواهد بود و در این مجال است که ضرورت نیاز به تفسیر موضوعی نمایان می‌گردد. (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۲۶۹) در واقع دست‌یابی به نظر قرآن کریم در مسائل جدید و به تعبیری مستحدثات، نیازمند آن است که مفسرین با دیدگاهی مسأله‌محور سراغ آیات قرآن کریم رفته و نظر این کتاب مقدس را به عنوان متقن‌ترین منبع دریافت نظریه اسلام جويا شوند. ضرورت دریافت نقطه نظرات اسلام در مسائل جدید تا بدانجاست که حتی اگر جمع بندی و ارائه نظریه قرآن در زمان پیامبر (ص) توسط خود آن حضرت هم بیان می‌شد، امروزه گریزی از تفسیر موضوعی و دست یافتن به دیدگاه‌های بنیادین قرآن درباره موضوعات جدید نبود. (صادقی، ۱۳۸۵: ۹۳)

اساساً امروزه ضرورت استخراج و تنظیم دیدگاه قرآن درباره موضوعات گوناگون، توسط مسلمین درک می‌شود و نمی‌توان خود را از آن‌ها بی‌نیاز دانست. پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز نظر قرآن را در موقعیت‌های گوناگون ارائه می‌کردند. حداقل کار آن حضرت، پیاده کردن عملی نظر اسلام در موضوعات مختلف بود. وضعیت و شرایط اجتماعی، روحی و فکری‌ای که یاران رسول اکرم (ص) در آن زندگی می‌کردند، برای فهم این نظریات - اگرچه به اجمال - و ایجاد یک مقیاس صحیح در مقام ارزیابی، مناسب و مساعد بود، ولی جایی که چنین زمینه مناسبی - مانند وضع امروز ما - موجود نباشد، نیاز به بررسی و تحقیق نظریات قرآن کریم و اسلام، نیازی واقعی و جدی و ضروری است، به‌ویژه هنگامی که توجه داشته باشیم جهان غرب با جهان اسلام ارتباط دارد. وقتی برخوردی بین یک مسلمان و یک غربی صورت می‌گیرد و مسلمان خود را در مقابل نظریه‌های فراوان غرب در زمینه‌های گوناگون می‌بیند، ناگزیر است موضع‌گیری اسلام نسبت به این نظریات را تبیین کند. (سید محمد باقر صدر، ص ۳۷) از این رو برای به دست آوردن نظرگاه‌های اسلام و پاسخ به

پرسش‌های مختلف که از سوی دین‌باوران یا از سوی ملحدان و کافران ارائه می‌گردد در نخستین و مهمترین مرحله، گریزی جز مراجعه به قرآن، آن هم از نوع تفسیر موضوعی نیست. (نصیری، ۱۳۸۴: ۸۹)

آیه الله مصباح در این زمینه می‌نویسند: همه مکتب‌های منحرف کوشیده‌اند به افکار و اندیشه‌های خود شکل و نظامی بدهند، یعنی برای مطالبشان ریشه‌ای معرفی کنند و با ارتباط و پیوند با سلسله مسائلی منسجم، یک کل منظم و هماهنگ به وجود آورند. ما که در جهت صحیح هستیم، در مقابل آنها عیناً باید همین کار را بکنیم، یعنی معارف قرآن را به صورت نظام مند عرضه کنیم. (صادقی، ۱۳۸۵: ۹۳ به نقل از محمدتقی مصباح ۱۳۷۶: ص ۹)

این‌ها همه و همه ضرورت توجه به روش تفسیر موضوعی قرآن کریم را نمایان می‌سازد.

۴. اشکالات تفاسیر موضوعی

تفسیر موضوعی قرآن کریم به رغم ضرورت غیر قابل انکار و تمام ویژگی‌های منحصر به فردی که در بر دارد، در معرض تیغ تیز نقدها و اشکالات فراوانی قرار گرفته است. آنچه که در ادامه می‌آید، بیان ۵ مورد از مهمترین اشکالات و در بعضی موارد، ارائه نقد آن‌هاست.

۴-۱. تقطیع آیات قرآن کریم

ناقدین این نوع تفسیر معتقدند که در تفسیر موضوعی، مفسر آیات قرآن را از سیاق خود جدا کرده و در کنار آیات دیگر از سوره‌های دیگر قرآن آن را فهم می‌کند. در واقع، در این روش تفسیر، ارتباط آیات با آیات قبل و بعد قطع شده و این عمل در بسیاری از مواقع، موجب کژفهمی معنای آیه می‌شود. (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۲۷۱)

البته برخی از محققین بر این باورند که تفسیر موضوعی گردآوری فهم‌هاست، نه آیات. در واقع، گردآوری و گزینش آیات، مسبوق بر داشتن فهمی جداگانه از یکایک آیات است، لذا از آنجا که هر کدام از آیات، جداگانه در بستر طبیعی خودشان فهم می‌شوند و سپس فهم‌ها گرد هم می‌آیند، (جلیلی، ۱۳۷۲: ۹۶) این مشکل مرتفع می‌گردد. به عبارت دیگر، از آنجایی که علمای حامی تفاسیر موضوعی، تفسیر ترتیبی را مقدم بر

شماره ۳۲ و ۳۳ پاییز و زمستان ۹۱

تفسیر موضوعی می‌دانند و می‌بایست هر کدام از ایشان، از پله تفسیر ترتیبی گام بر تفسیر موضوعی گذارند، لذا از این مشکل رهایی می‌یابند. ایشان معتقدند که تفسیر موضوعی بدون تفسیر ترتیبی میسر نیست، چرا که زمانی ممکن است انسان موضوع شناس بوده و موضوعی را از قرآن کریم استنباط کند، که اول تفسیر ترتیبی را گذرانده باشد، و هر آیه‌ای را با ملاحظه صدر و ذیل آن بحث در نظر بگیرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶۱)

۴-۲. عدم توجه به شأن نزول آیات

از آن جایی که ممکن است بسیاری از قرائن فهم آیات، در شأن نزول آن آیه نهفته باشد، لذا یک مفسر با محروم کردن خود از این مسأله و بدون توجه به شروط نزول آیات، نمی‌تواند یک تفسیر صحیحی از آیات داشته باشد. (رضائی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۶۳) بسیاری معتقدند که شناختن زمان و مکان و سایر اوضاع و شرائط مربوط به هر آیه و هر سوره بزرگترین تأثیر را در بررسی دقیق آیات و روشن ساختن مراد و مقصود آیات دارد، و جهل به این امور موجب می‌شود که مفسر در فهم آیات به راه خطا رفته و به تبع آن بر خلاف مقصود عمل کند. (رادمنش، ۱۳۷۴: ۱۱۷-۱۱۶) این اهمیت شناخت شأن نزول آیات است که علما را بر آن داشته است تا نقدی جدی بر تفسیر موضوعی وارد کرده و آن را متهم کنند به این که این مهم را کنار گذاشته و آیات را به دور از آن فهم می‌کند. توجه به شأن نزول آیات در ارائه تفسیر آن، در تفاسیر ترتیبی تا حدی مورد عنایت قرار می‌گیرد و موجب می‌شود تا حدودی مفسر به فهم آیات نزدیک شود، ولی در تفاسیر موضوعی این خطر افزایش می‌یابد و در این نوع از تفاسیر این عدم توجه مشکلی است که مفسر به طور جدی با آن رو در روست. (پاکتچی، ۱۳۸۷:

۲۷۳)

البته می‌بایست خاطر نشان سازیم که این اشکال زمانی صحیح است که مفسرین، تفسیر موضوعی را جدای از تفسیر ترتیبی بنگرند، لکن آنچه که از آراء و نظرات ایشان - بنا بر آنچه گذشت - بر می‌آید این است که تفسیر موضوعی، نه تنها نافی تفسیر ترتیبی نیست، بلکه گامی پس از آن و در جهت تکمیل آن است، لذا مسلم است مفسری که دست به قلم برداشته و شروع به تفسیر موضوعی آیات می‌کند می‌بایست ابتدا آیات را در سیاق خود و با عنایت به آیات قبل و بعد از آن و با توجه به تمامی اوصاف و ویژگی‌های آن مطالعه و تفسیر کرده باشد و آن‌گاه شروع به نگاشتن تفسیر موضوعی خود نماید.

۳-۴. عدم نزول قرآن به صورت موضوعی

این اشکال که بارها از سوی مخالفین مطرح گردیده^۲، اشکالی مبنایی است و مفسری که تفسیر موضوعی را ملاک کار خود قرار می‌دهد، ابتدا باید در مرحله نظر، به این سؤالات پاسخ دهد که چرا قرآن موضوعی نازل نشده و تا چه اندازه می‌توان قرآن را به صورت موضوعی مورد مطالعه قرار داد. (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۲۷۴-۲۷۳) استدلال این گروه از علما آن است که سبک و اسلوب آیات و سوره‌های قرآن هر چه باشد، مسلماً موضوعی نیست. و به دلیل این‌که خداوند به مقتضای حکمت عمل می‌کند، پس موضوعی تفسیر کردن آیات قرآن با مقتضای حکمت خداوندی در تعارض است و بر این اساس تفسیر موضوعی نمی‌تواند مجاز و مفید باشد. (جلیلی، ۱۳۷۲: ۸۸) اما با تأمل در این استدلال، می‌توان گفت که به رغم صحت هر دو مقدمه در جای خود، نتیجه گرفته شده، لزوماً حاصل از آن دو مقدمه نیست؛ چرا که استدلال فوق، نافی این نیست که بگوئیم مقتضای حکمت خداوند این است که انسان‌ها قرآن را به گونه موضوعی تفسیر کنند. از سوی دیگر در صورت صحت این نتیجه می‌بایست مدعی شد که نه تنها تفسیر موضوعی بلکه هر گونه تفسیر و ترجمه و ... با مقتضای حکمت خداوندی معارض است؛ برای اینکه قرآن به صورت تفسیر شده نازل نشده و به زبانهای مختلف نیز نیامده است. (جلیلی، ۱۳۷۲: ۹۰)

۴-۴. خطر تحمیل دیدگاه بر قرآن

آسیب مهم دیگر در تفسیر موضوعی آن است که گاه ممکن است مفسر پیش از ورود به قرآن کریم نظر خود را حول موضوعی استخراج کرده و با تحلیل‌های برون‌قرآنی، نظر خویش را بر قرآن تحمیل کند، که این کار منتهی به تفسیر به رأی می‌شود. (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۹۰)

آنچه از آیات قرآن کریم که از صدر اسلام تا کنون دست‌مایه فرقه‌های مختلف در اثبات مدعای خودشان بوده است، غالباً با کج‌فهمی از آیه‌ای از آیات قرآن و تحمیل دیدگاه بر قرآن کریم همراه بوده است. اگر ایشان در برداشتهای خویش از قرآن، به تفسیر موضوعی قرآن می‌پرداختند و تمام آیات مربوط به مدعای خویش و

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: جلیلی، سید هدایت، «وزن ادله معارض تفسیر موضوعی در میزان تعد»، مصباح، ش. ۸، ص ۹۸

شماره ۳۲ و ۳۳ پاییز و زمستان ۹۱

حتی آیات مخالف آن عقیده را در کنار هم می‌نگریستند، بسیاری از نزاع‌ها از بین می‌رفت و به وحدت در عقیده نزدیک می‌شدند؛ زیرا قرآن کریم خالی از اختلاف است و مواجهین با آن را با وحدت رویه به سعادت دنیا و آخرت نایل می‌رساند. (داوودی، ۱۳۸۴: ۳۷) علامه طباطبایی (ره) تیغ تیز نقد خود را سوی کسانی می‌برد که به جای آنکه زانوی تلمذ در محضر قرآن زده و با فراموشی نظر خود، از قرآن کریم استنتاج کنند، به تحمیل دیدگاه خود بر قرآن مجید پرداخته‌اند و صرفاً به جای پرداختن به تفسیر قرآن، مسیر تطبیق آیات با نظرات خود را در پیش گرفته‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶) علاوه بر خطری که از این ناحیه وجود دارد، گاه مفسر، برداشتی را که از آیات قرآن کریم می‌کند، متأثر از فهم عرفی وی از آیات قرآن کریم و تطبیق مصادیق بر این اساس است. در موارد شایان توجهی، این برداشت‌های عرفی سبب اختلال در امر فهم صحیح آیات می‌شود. این از آنجا نشأت می‌گیرد که آیات قرآن کریم از جهت مفهوم، در نهایت درجه وضوح هستند و تشابه آنها صرفاً در برداشت مراد از آنها و در تطبیق مصادیقشان است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۹) و ایشان در این تطبیق مصادیق راه ناصواب را می‌پیمایند.

۴-۵. عدم وجود ضابطه مشخص در انتخاب آیات

مفسری که بنای خود را بر تفسیر موضوعی قرآن قرار می‌دهد، باید در موضوعات مورد بحث خویش، آیات قرآن کریم را استقراء کامل نماید، استقرایی اعم از آیاتی که قطعاً یا احتمالاً به موضوع، مرتبط است؛ زیرا برخی از آیات که احتمال ارتباط با موضوع دارند، زمانی گویا می‌شوند که در کنار دیگر آیات قرار گیرند. این بی-توجهی و غفلت از آیات احتمالی، از جمله آسیب‌های تفسیر موضوعی است که مفسر را از رسیدن به نظریه دقیق و جامع قرآن محروم می‌گرداند. (منتظری، ۱۳۸۵: ۵۴) این مشکل اساسی از آنجایی ناشی می‌شود که هنوز ضابطه دقیقی برای انتخاب آیات در دست مفسران نیامده است و تفاسیر موضوعی صرفاً بر اساس تشخیص شخصی و با توجه به انس و شناختی که مفسر از قرآن داشته به برقراری ارتباط میان آیات پرداخته‌اند. (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۲۷۶) آنچه که می‌تواند مفسرین را از این آسیب‌رهایی بخشد، توجه ایشان به کلید واژه‌ها و گنج‌واژه‌های موضوعات مورد بحثشان است. مفسری که موضوع «حجاب» را در دستور کار خود قرار می‌دهد، راه ساده‌ای که می‌تواند در پیش گیرد، استقرای آیاتی است که در آن واژه حجاب به کار رفته است، ولی مسلماً این روش

مطلوبی نیست؛ چرا که این موضوع در قرآن کریم همیشه با این لفظ به کار نرفته است، ضمن آن که در برخی موارد مفسر می‌بایست فراتر از لفظ مرتبط رفته و از سیاق آیات، مطلب مرتبط با موضوع را استفاده کند. (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۹-۸) آنچه که گنج‌واژه در اختیار مفسر قرار می‌دهد، یک نظام منطقی است که وی را در برقراری ارتباط بین آیات و بیان پیوستگی آنها توانا می‌سازد. این نظام وی را قادر خواهد ساخت که از بسیاری از برداشت‌های سوء در امان ماند، اما متأسفانه در این حیطة، تاکنون اثر قابل توجهی تولید نشده است. (ذوالفقاری، ۲۷۶-۲۷۴)

نتیجه‌گیری

تفسیر موضوعی قرآن کریم ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که ره‌گشای قرآن‌پژوهان در فهم مراد و مفاهیم آیات و دریافت نظر قرآن کریم در پاسخ به سؤالات، حول موضوعات مختلف خواهد بود.

آنچه که مهم است، توجه به تفسیر موضوعی به عنوان مکمل تفسیر ترتیبی و گامی پس از آن است و نه جایگزین آن، زیرا مفسران قرآن کریم که روش تفسیر موضوعی را بر می‌گزینند، اگر خود را از برکات تفسیر ترتیبی محروم گردانند، با مشکلاتی در مرحله فهم صحیح آیات مواجه خواهند شد که می‌تواند مقدمه تحمیل دیدگاه‌ها بر قرآن و در نتیجه قدم گذاردن در ورطه هولناک تفسیر به رأی باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. ایازی، سید محمد علی، تفسیر موضوعی از نگاه شهید صدر (ره)، مجله پیام جاویدان، ۱۳۸۳ - شماره ۲.
۲. پاکتچی، احمد، ۱۳۸۷، تاریخ تفسیر قرآن کریم، محمد جانی‌پور، تهران: انجمن علمی دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق (ع).
۳. جلیلی، سید هدایت، ۱۳۷۲، روش‌شناسی تفاسیر موضوعی قرآن، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.
۴. جلیلی، سید هدایت، وزن ادله معارض تفسیر موضوعی در میزان نقد، مجله مصباح ۱۳۷۲ - شماره ۸.
۵. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۸۸، زن در آینه جلال و جمال، تحقیق حجت الاسلام محمود لطیفی، قم: اسراء، چاپ نوزدهم.

شماره ۳۲ و ۳۳ پاییز و زمستان ۹۱

۶. داودی، محمدرضا، مزایای تفسیر موضوعی قرآن کریم، مجله معرفت، ۱۳۸۴، شماره ۹۶.
۷. ذوالفقاری، محمد حسین، تفسیر موضوعی در گفت‌وگو با حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح، مجله معرفت، ۱۳۸۸ - شماره ۱۳۶.
۸. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. رادمنش، سید محمد، ۱۳۷۴، آشنایی با علوم قرآنی، تهران: علوم نوین / جامی، چاپ چهارم.
۱۰. رضائی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۸۲، درسامه روشها و گرایش‌های تفسیری قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
۱۱. سبحانی، جعفر، ۱۴۲۱، رسائل ومقالات، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۲. سجادی، سیدابراهیم، شکوفایی تفسیر موضوعی در بستر قرن اخیر، مجله پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۷۵ - شماره ۸ و ۷.
۱۳. سراقی، علی، آسیب شناسی تفسیر موضوعی، مجله معرفت، ۱۳۸۵ - شماره ۱۰۷.
۱۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴، نهج البلاغه صبحی صالح، قم: هجرت، چاپ اول.
۱۵. صادقی، حسن، تفسیر موضوعی و دلایل امکان و ضرورت آن، مجله معرفت آبان ۱۳۸۵ - شماره ۱۰۷.
۱۶. صدر، سید محمد باقر، المدرسه القرآنیة: التفسیر الموضوعی و التفسیر التجزیة فی القرآن الکریم، بیروت: دار التعارف.
۱۷. طباطبایی سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تحقیق غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۱۹. مصباح، محمدتقی ۱۳۷۶، معارف قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۰. معرفت، محمد هادی، ۱۴۱۸، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، چاپ اول.
۲۱. منتظری، علی، تفسیر موضوعی و تفسیر تربیتی و نسبت میان آنها، مجله معرفت ۱۳۸۵ - شماره ۱۰۹.

۲۲. موسوی همدانی سید محمد باقر، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

۲۳. نصیری، علی، مبانی کلامی تفسیر موضوعی، مجله اندیشه نوین دینی زمستان ۱۳۸۴ - شماره ۳.

۲۴. یدالله پور، بهروز، ۱۳۸۳، مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، قم: دارالعلم، چاپ اول.

